

گشتم نبود، اما تو بگرد!

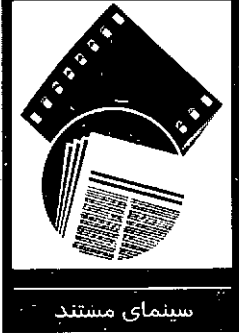
پرونده‌سازی برای سینمای مستند؛ این دستوری بود که از سوی جناب آقای آذین رسید، چاره‌یی نبود و باید اجابت می‌شد. ورود به عرصه‌ی سینمای مستند دغدغه می‌باید، حوصله و شجاعت می‌خواهد، که فقط از باب انعکاس عقاید صاحب‌نظران این حیطه هم که شده ورود به این دنیای مهجور و متروک آسان نیست. جشنواره‌ی سینما حقیقت دست و دلم را به سمت گذر از این مرز سوق داد. تحقیق و جمع‌آوری شواهد و نظراتی از آن‌ها که درد این سینما را می‌دانند دید روشنی به من بخشید؛ خیلی‌ها بپرمشغله‌تر از آن بودند که با من از این سینما بگویند و البته گرانقدری هم پیدا شد که از این عالم مرا پاسخگو باشد. کارنامه‌ی ۸۰ نفر از مستندسازان را ورق زدم، با هر ورق آهی کشیدم و افسوس خوردم از این که دستیابی به این آثار مستند برای اهلس چه ناامیدکننده است! شاید تماشای این آثار تنها راه ارتباط برقرار کردن با سازندگان این فیلم‌هاست که در قرن ارتباطات این راه حل بدوی معمولاً به سرانجام نمی‌رسد. تلاش‌های من برای تماشای چند فیلم مستند دلخواهم هنوز به مقصد نرسیده است! آرشپوها اما خاک می‌خورند، حتماً نوش جانشان نیست! حتماً!

پرونده‌ی موضوعی سینمای مستند

با سپاس از آقایان: خسرو دهقان، ابراهیم مختاری، بهروز غریب پور، مهدی کشاورز، فرشاد فداییان، مجید روانجو، احمد طالبی نژاد و خانم‌ها: مینو فرشچی، لادن عباسی، سولماز کشاورز، الناز دیمان

- احترام به سینمای بیگانه، مجلسی و متروک
- نگاهی گذرا به تاریخ سینمای مستند ایران
- سینمای مستند و تأثیر آن بر سینمای داستانی
- نقش فیلمنامه در سینمای مستند
- مروری بر تاریخ مستندسازی در سینمای جهان
- واقعیت سرگردان
- مقدمه‌یی بر سینمای مستند
- مستند خلق
- قصه‌ی مستند
- سینمای مستند در گذر تاریخ
- لزوم مستندسازی در تلویزیون
- گردش میان سیارات
- آشنایی با برخی از مستندسازان ایران
- جایگاه تدوین در سینمای مستند به روایت سه تدوینگر
- سوگندنامه‌ی مستندسازان





احترام به سینمای بیگانه، مجلسی و متروک

مستند و نمایش عمومی آن تماشاگر را از سردرگمی نجات می‌دهد. اهمیت این سینما در ظرفیت‌های بالقوه‌ی است که در آن وجود دارند؛ این که مخاطب و ابزار خود را دارد، حرف‌های خود را می‌زند و رسالت خود را انجام می‌دهد. نبود سینمای مستند، سینمای عادی را هم ضعیف می‌کند.

۴- سینما در سال ۱۸۹۵ میلادی رسمیت یافت و با پنج سال تأخیر وارد ایران شد؛ کم و کیف و چگونگی آن خارج از این یادداشت است، نکته‌ی مهم در این میان تا آن‌جا که به بحث مربوط می‌شود این است که سینمای مستند ایران از اولین لحظه وارد ساخت و تولید می‌شود و سینما را با همه‌ی چند و چونش تجربه می‌کند. فیلم مستند ساخته می‌شود، چه خوب و چه بد چه درست و چه نادرست مهم نیست، مهم درگیری این سینما تا سال ۱۳۰۹ در ساخت، کار و اجراست و نه حاشیه‌نمینی و تماشاگر ماندن.

سینمای عادی از ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۹ - ۳۰ سال - حاشیه‌نشین و تماشاگر محصول دیگران بوده است. پدران پدران ما و مادران مادران ما در تمام آن سال‌ها فقط آیین تماشاگر بودن را تجربه می‌کنند. وقتی یک فریم فیلم ایرانی ساخته نمی‌شود، خلاء این ۳۰ سال و عدم تجربه‌ی سینمای صامت تا ابد با سینمای ایران باقی می‌ماند، در حالی که سینمای مستند از آغاز داخل گود است؛ «مظفرالدین‌شاه» درگیر فیلم بود و از او فیلم‌های مستندی ساخته شد، «ابراهیم‌خان صراف‌باشی»، «روس‌خان» و «خان‌بابا معتضدی» از آغاز درگیر سینمای مستند بوده‌اند. می‌توان گفت سینمای مستند از آغاز، بازیگری و سایر شاخه‌های سینما را تجربه می‌کند؛ دوربین، تدوین، صحنه‌آرایی و سایر شاخص‌های زیباشناسی فیلم. سینمای مستند ایران با وجود عوامل گوناگون بازدارنده تا امروز حضور داشته، آن هم حضوری جدی و چنین است که سینمایی درخور و قابل احترام است. ۵- سینمای مستند وقتی راه می‌افتد به‌تدریج برای خودش تعریفی دست و پا

و توجه به آن ما را از پیمودن مسیرهایی که در دستور کار سینمای عادی نیست مصون نگه می‌دارد.

مقوله‌هایی که دوست داریم تجربه کنیم و بشناسیم به‌طور عمده در متن سینمای مستند هست؛ رسالت مفاهیم، کند و کاوهای جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و سیاست و هزار و یک سؤال و ابهام دیگر، حال آن‌که از سینمای عادی نمی‌توان چنین انتظاری داشت. سینمای عادی سرگرمی‌ساز است و در دستور کارش جز عنایت به مخاطب و سرگرمی چیز مهم دیگری نیست؛ این سینما نمی‌تواند و نباید جوابگوی همه‌ی معضلات و نیازهای ما باشد. بخشی از نیاز فرهنگی ما در اندازه و قواره‌ی سینمای مستند است.

هر تماشاگری نیازهای فراوانی دارد. از نیازهای مازلویی که بگذریم و به نیازهای فرهنگی برسیم کار دشوارتر می‌شود؛ سوالات فراوانی در ذهن داریم و رسالت و تعهدی را بر گردن سینماگر سوار می‌کنیم. سینمای مستند می‌تواند و خوب هم می‌تواند این گونه نیازها را برآورده کند، نیازهایی که در سینمای عادی قابل ردیابی نیست و بی‌جهت در آن وادی به دنبال گمشده‌ی خود هستیم.

بخشی از سوءتفاهم موضوعی آثار و نقد و بررسی آن‌ها در سینمای ایران ناشی از عدم وجود سینمای مستند است. سینمای

سینمای مستند

**ایران را باید از پستوی
محفل‌ها، جشنواره‌ها و
بحث‌های درون‌گروهی
و روشنفکری خارج
کنیم و به دست مردم
عادی کوچه و بازار
بسپاریم؛ مردم خود
قضاوت خواهند کرد و
تصمیم خواهند گرفت**

خسرو دهقان

۱- سینمای مستند ایران سینمای درخور و قابل توجهی است، سینمایی که می‌توان به آن اعتنا کرد و جدی‌اش گرفت اما در کلیت و از نگاهی مهجور مانده که ناشناختی آن به خیلی چیزها برمی‌گردد که قابل فهرست کردن و بررسی است هر چند در نتیجه‌گیری تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ سینمای قابل تأملی که شأن خود را نیافته و جایگاه شایسته‌ی نزد عموم ندارد. حلقه‌ی مقفوله در مناسبات سینمای مستند و مردم، حذف ارتباط است؛ سینمای مستند زندگی خویش را می‌کند، مردم هم زندگی خودشان را و ارتباطی نیست. تماشاگر عادی و سینمارو و خیل مشتاق تماشاگران سینما در سرتاسر ایران‌زمین با سینمای مستند بیگانه‌اند و این پرده‌ی نخست تراژدی است. پرده‌های دیگر یکی پس از دیگری در راهند.

۲- سینمای عامه‌پسند داستان‌گو کم و بیش در میان دست و بال تماشاگران مشتاق سینما و تلویزیون است و با زندگی و ساعات فراغت مردم گره خورده، اثر می‌گذارد و اثر می‌گیرد. سینمای مستند زیستی متفاوت دارد. این سینما در کتاب‌هاست، در جزوات دانشگاهی است، در تار و پود زندگی دانشجویی است، در جلسات بحث، گفت‌وگو، نقد و بررسی است، در جشنواره‌هاست، حرفه‌ی نیست، کسی نمی‌تواند با آن گذران زندگی کند و مجلسی و متروک است؛ در یک کلام، سینمایی است که به نمایش عمومی در نمی‌آید - روی پرده و داخل جعبه‌ی تلویزیون - با نفس تماشاگر دم و بازدم نداشته و ساخت و کار خودش را دارد.

۳- سینمای مستند ایران سینمای مهمی است؛ تبارش ریشه‌دار است، از بنیان در مقایسه با سینمای عادی درست بنا شده و مسیر پایه‌گذاری و تکاملش تدریجی است و از همه مهم‌تر به نقد درمی‌آید. سینمای مستند



می‌کند، دوران‌بندی، تقسیم‌بندی و رده‌بندی می‌شود و شاخه، شعبه و زیرمجموعه پیدا می‌کند. خودمان مستند می‌سازیم، محصول دیگران را می‌بینیم و در سالن‌های سینما چون سینمای عادی و در کنار آن، سینمای مستند را - هر چند کوتاه - می‌بینیم.

گذشتگان ما با مقوله‌ی فیلم و سینمای مستند بهتر از امروز ما آشنا بوده‌اند؛ در سالن سینما به‌طور معمول مستند می‌دیدند، اما ما امروز سینمای مستند را در حاشیه‌ی زوال عادی سینما دنبال می‌کنیم.

سینمای مستند در مسیر تکاملی‌اش به بسیاری از ناشناخته‌ها دست پیدا می‌کند. فهرست کتاب‌ها، مقالات و تقسیمات و گونه‌های سینمای مستند می‌تواند خود موضوع یک جلد کتاب حدوداً صد صفحه‌ی باشد. سینمای مستند بسیار گسترده است و طول و عرض زیادی را پیموده است.

۶- آن چه از سینمای مستند این سال‌ها روی دست و دلمان مانده، پرت افتادن و دور شدن کامل آن از کانون اصلی سینما یعنی سالن سینما و صحنه‌ی تلویزیون است. سینمای مستند نه از روی خواست خود که به اجبار مردم‌گریز شده است. ارتباط تماشاگر عادی با سینمای مستند به‌طور طبیعی چیزی نزدیک به صفر بوده که تأسف‌بار است!

نظری، تاریخی و منتقدانه درباره‌ی سینمای مستند نیست، نمایش طبیعی فیلم‌ها و حتی بدون حاشیه، حرف و حدیث، نصیحت و گوشزد، فقط نمایش.

۸- و بالاخره سینمای مستند ایران را باید از پستی‌محل‌ها، جشنواره‌ها و بحث‌های درون‌گروهی و روشنفکری خارج کنیم و به دست مردم عادی کوچه و بازار بسپاریم. مردم خود قضاوت خواهند کرد و تصمیم خواهند گرفت. سینمای مستند ایران شکوفا خواهد شد؛ این را می‌توانیم از همین امروز، از همین لحظه امتحان کنیم ■

۷- چه می‌توان کرد؟ پیشنهاد می‌کنیم به دنبال راه حل‌هایی باشیم تا این سینما را با عوام آشتی دهیم؛ مسئولین باید حرکت کنند، آن را جدی بگیرند و امکان نمایشش را در سینماها فراهم کنند - مثل یک جور آگهی تجاری - در آغاز عجیب و غریب به نظر می‌رسد، اما به‌تدریج عادی می‌شود و تماشاگران آن را درمی‌یابند، عزیز می‌دارند و برای بسیاری از پرسش‌های پنهان و آشکار ذهنشان پاسخ درخور و مناسب می‌یابند. صدا و سیما نیز باید به نمایش فیلم‌های مستند همت گمارد؛ منظور بحث‌ها و میزگردهای

تفاوت سینمای داستانی با مستند نمایشی از نگاه ابراهیم مختاری

رویدادی مستقل از فیلمساز

مواجه می‌شود که هستی دارد، اما در سینمای داستانی رویداد از هیچ گونه موجودیتی برخوردار نیست و کل واقعه در مقابل دوربین شکل می‌گیرد.

سینمای مستند را باید به سینمای بازسازی تغییر نام داد. تفاوت سینمای داستانی با سینمای مستند در هستی پیدا کردن و شکل متفاوت آن‌هاست.

در فرایند ساخت فیلم مستند داستانی تا زمانی که فیلمساز بر سر تدوین نرود فکر وجود نخواهد داشت و از طریق فن داستان‌نویسی است که مفهوم واقعی فیلمنامه‌نویسی متجلی می‌شود. در فیلم مستند، فیلمساز حق دارد پلان اول را انتخاب کند و همین پلان سنتزی برای پلان‌های بعدی می‌شود ■

تفاوت سینمای داستانی با مستند نمایشی و وجه تمایز نمایشی و داستانی بودن آثار مستند را از دیدگاه «ابراهیم مختاری»، مستندساز صاحب‌سبک سینمای ایران، در زیر می‌خوانید:

در سینمای مستند رویداد یا واقعه باید مستقل از فیلمساز موجودیت داشته باشد تا تفاوت ماهیتی میان سینمای داستانی و سینمای مستند آشکار شود؛ در حقیقت، در سینمای مستند رویداد یا واقعه باید مستقل از سینماگر جریان حیاتی خود را دارا باشد تا فیلمی که از این مقوله ساخته می‌شود از ساختار مستند برخوردار گردد.

در سینمای مستند فیلمساز به یک امر واقع استناد می‌کند و با پرداخت به رویداد بحث درباره‌ی ماهیت را آغاز و تفاوت چستی را آشکار می‌سازد؛ در حقیقت در سینمای مستند سینماگر با رویدادی